فصلنامه حقوق اداری

سال هشتم، بهار ۱۴۰۰، شماره ۲۶

مبانی فقهی و حقوقی به‌کارگیری سیستم‌های الکترونیکی گزارش‌دهنده فساد در ایران

هادی ولی‌پور[۱]؛ رضا دهقان‌نژاد[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۶
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۴

چکیده

در عصر حاضر، یکی از تکنولوژی‌های نوین که برای مقابله با فساد اداری در برخی از کشورها مورد توجه قرار گرفته است، سیستم‌های الکترونیکی گزارش‌دهنده فساد است. با توجه به اهمیت شفاف‌سازی و مبارزه با فساد در امور اداری در نظام جمهوری اسلامی ایران، این مقاله به روش توصیفی و تحلیلی در پی پاسخ به این سؤال است که آیا می‌توان در نظام اسلامی نیز از چنین سیستم‌های نظارتی در راستای سلامت اداری و مبارزه با فساد بهره‌برد؟ مبانی و ادله فقهی و حقوقی آن کدام است؟ همچنین چالش‌های فقهی به‌کارگیری آن چیست؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد لزوم نظارت همگانی در امور اجتماعی، قاعده حفظ نظام اسلامی، سیره عقلا و لزوم حفظ حقوق عمومی از جمله مبانی فقهی و حقوقی به‌کارگیری سیستم‌های الکترونیکی گزارش‌دهنده فساد در نظام اسلامی است؛ اما به‌رغم کارایی این بستر الکترونیکی، به‌طبع خود چالش‌هایی از قبیل: «حفظ حرمت و آبروی کارمندان و کارگزاران، حرمت تشهیر قبل از اثبات جرم و...» را به دنبال خواهد داشت که در ادامه مقاله، راهکارهای حل چالش‌های موجود بررسی شده است.

واژگان کلیدی: سیستم‌های الکترونیکی، فساد اداری، نظارت همگانی، حقوق عمومی، قاعده حفظ نظام.

۱. کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی. (نویسنده مسئول): hadi.valipour313@gmail.com
۲. استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.
Ac.dehghannezhad@azarunive.ac.ir

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.241]

۱. مقدمه

در نظام حقوقی اسلام راهبرد پیچیده‌ای به نام نظارت ارائه شده و برای کنترل غرایز بشری به انسان ابلاغ گردیده است راهبردی که همه جانبه بوده و در کنار نظارت الهی و پیامبران و امامان، فرشتگان و اعضای بدن بر اعمال انسان(توبه: ۱۰۵؛ یونس: ۶۱ و...)، بار انجام صحیح وظایف و تکالیف محوله به یک فرد را با عنوان خود کنترلی بر دوش وی گذاشته است (عبس: ۳۴؛ حشر: ۱۸) و در کنار آن با خطابی عام به کلیه افراد جامعه، لزوم وجود دغدغه نسبت به سرنوشت خود و یکدیگر را بیان نموده است (آل عمران: ۱۰۴؛ مائده: ۶۳). پیچیدگی و جامعیت چنین سیستم نظارتی خبر از نقش موثر و کارآمد آن دارد، چرا که بازوهای پرتوان این سیستم تا اعماق جامعه ریشه دوانده و در بطن محیط اجتماعی به منصه ظهور رسیده و نتایج عینی و مشهود خود را در مقابل دید همگان قرار داده است. تبلور و نمود خارجی این سیستم با عنوان امر به معروف و نهی از منکر در احکام شرعی (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج۱۶: ۱۱۷؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۵: ۵۶؛ شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج۲: ۴۷؛ خمینی، بی‌تا، ج۱: ۶۲) بر اهمیت این راهکار افزوده و اندیشهٔ بسیاری از فقها را در کم و کیف آن با چالش‌های فراوانی روبه‌رو کرده است (طوسی، ۱۳۸۲: ۳۰۲؛ حمصی رازی، ۱۴۱۲ق، ج۲: ۲۰۹؛ تفتازانی، ۱۴۰۹ق، ج۵: ۱۷۱).

سیستم‌های الکترونیکی گزارش‌دهنده فساد، یکی از اقدامات نوین نظارتی برای مقابله با فساد است که به عنوان یک ابزار مهم برای شفافیت و پاسخگویی، همچنین شناسایی و کاهش فساد، مورد توجه دولت‌ها قرار گرفته است و موجب بهبود مشارکت مدنی می‌شود. یکی از این ابزارها، نرم‌افزارهای ضد فساد مبتنی بر جمعیت است که در حوزهٔ ICT [1] به وسیله اینترنت و موبایل برای مبارزه با فساد و رشوه‌خواری در ادارات گسترش یافته است. (مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد، ۱۳۹۶: ۳۴).

سیستم‌های مورد نظر، هم‌اکنون بیشتر با عنوان نرم‌افزارهای سوت‌زنی[2] شناخته شده و کارکردهای گوناگونی دارد که از جمله می‌توان به ایجاد نقشه‌های حرارتی، وجود فساد با هدف مشخص‌شدن مراکز فسادآفرین و فشار بر بخش‌های مختلف دولتی برای اصلاح حفره‌های خلق فساد اشاره کرد که نمونه‌های خارجی «من رشوه دادم[3] هند، سکر الدکانه[1] لبنان و رشوه‌گاه[2] کامبوج» از جمله سیستم‌های به‌کارگیری‌شده این حوزه هستند.

---

1 . Information Communication Technology
2. Whistle blower
3. I Paid a Bribe (IPAB)

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.241]

با توجه به اهمیت سلامت اداری و مبارزه با فساد در نظام جمهوری اسلامی، در این تحقیق برآنیم مبانی فقهی و حقوقی به‌کارگیری چنین سیستم پیشرفته در کشورمان را مطالعه و بررسی کنیم تا زمینه قانونی‌کردن ایجاد چنین سیستم کارآمد فراهم شود؛ همچنین چالش‌هایی که ممکن است در به‌کارگیری سیستم‌های الکترونیکی گزارش‌دهنده فساد وجود داشته باشد را با ارائه راهکارهای آن مورد مطالعه قرار خواهیم داد. پیوند تکنولوژی با احکام شرعی در چنین حوزه‌ای، امری است که در عین الزام شرعی به قانونمندکردن افعال مکلفین، به‌ندرت مطمح نظر محققین بوده، و در رابطه با موضوع بحث حاضر، هیچ پژوهشی صورت نگرفته است و این در حالی است که امروزه شکی در مورد ایفای نقش حیاتی و موثر فناوری اطلاعات و ارتباطات در سیستم موفق سلامت اداری وجود ندارد.

۲. مبانی فقهی و حقوقی به‌کارگیری سیستم‌های الکترونیکی گزارش‌دهنده فساد

ایجاد و تشکیل سیستم نظارتی در راستای سلامت در حوزه‌های مختلف فردی و اجتماعی، یکی از راهبردهای مورد توجه شریعت اسلامی است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد؛ چنانکه در فقه سیاسی، خودکامگی و خروج از توازن حاکمان را نتیجه نبود نظارت بر اعمال آن‌ها به‌شمار آورده‌اند؛ همان‌طور که ماهیت انقلاب‌های مردمی نیز تحت‌نظارت درآوردن دولت‌ها و دولتمردان بوده است (عمید زنجانی، موسی‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۰)؛ در همین‌خصوص، رهبر معظم انقلاب اسلامی در یکی از سخنرانی‌های خود، «فعالیت‌های اطلاعاتی مردمی» به مفهوم نظارت و اطلاع‌رسانی صحیح دربارهٔ مسائلی نظیر سوءاستفاده‌ها، قاچاق و مسائل مشابه را از عوامل موثر در محیط اطراف و عزم و حرکت و بینایی و پیشرفت حرکت عمومی ملت بیان کرده‌اند.[3] (دیدار رمضانی جمعی از دانشجویان با رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۸/۰۳/۰۱). در ادامهٔ کلام، مبانی فقهی و حقوقی موضوع پژوهش حاضر را مطالعه و بررسی می‌کنیم.

1. Sakker el Dekkene (SED)
2. Bribes Pot
3. khamenei.ir

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.241]

۱-۲. لزوم نظارت همگانی در امور اجتماعی

نظارت همگانی در امور اجتماعی در منابع فقهی و به‌تبع آن در منابع حقوقی مورد توجه قرار گرفته است. به موجب اصل هشتم قانون اساسی که با الهام از آیات شریفه‌ای است که در زیر مورد مطالعه قرار می‌گیرد، «در جمهوری اسلامی ایران؛ دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت؛ شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند».

در ماده ۸ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴ که سعی دارد اصل مزبور قانون اساسی را عملی کند، آمده است: «مردم از حق دعوت به خیر، نصیحت، ارشاد در مورد عملکرد دولت برخوردارند و در چارچوب شرع و قوانین می‌توانند نسبت به مقامات، مسئولان، مدیران و کارکنان، تمامی اجزای حاکمیت و قوای سه‌گانه اعم از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، نهادهای انقلاب اسلامی، نیروهای مسلح و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قوانین و مقررات عمومی نسبت به آن‌ها، مستلزم ذکر یا تصریح نام است، امر به معروف و نهی از منکر کنند».

در هر حال، می‌توان گفت اصلی‌ترین دلیل راهبرد نظارت برای به‌کارگیری سیستم‌های گزارش‌دهنده فساد در نظام جمهوری اسلامی ایران، آیاتی از قرآن کریم است که لزوم نظارت همگانی به‌خوبی از آن‌ها استفاده می‌شود.

افزون بر آیاتی مانند: ۱۰۷ سوره آل‌عمران، ۴۲ سوره حج و ۷۱ سوره توبه، آیه «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» (آل عمران: ۱۱۰)، دلالت واضح‌تر و بیشتری نسبت به راهبرد نظارت داشته و از آن جهت که ظهور در عموم دارد شامل همه افراد می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۳: ۴۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج۲: ۸۱۰؛ قمی، ۱۳۶۸ق، ج۳: ۱۹۹؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج۱۳۱: ۲؛ سبزواری نجفی، ۱۴۱۹ق، ج۱: ۶۹). نکتهٔ جالبی که در این آیه نهفته است، مربوط به «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ» هست که نظارت همگانی را از ویژگی‌های بهترین امت دانسته است و این خود می‌رساند که اصلاح جامعه بشری در گرو امر به معروف و مبارزه با فساد است و ضمانت اجرای قانون، عملا بر خود قانون مقدم است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۸). مطلب مهم در اینجا این است که در اصل وجوب شرعی امر به معروف و نهی از منکر در بین فقها، اختلافی وجود ندارد (فاضل مقداد، ۱۴۱۹ق، ج۱: ۴۷۱)

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.241]

وجود سیستم نظارتی حکومت حضرت رسول(ص) و امیرالمومنین علی(ع)؛ بهترین، واضح‌ترین و صریح‌ترین نشانه‌ای است بر صحت و جایگاه ویژهٔ آن در دستگاه مدیریت و حاکمیت (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج۱۶: ۳۸۲؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۱: ۴۰۳)؛ اما با این حال، روایات فراوان دیگری به صورت عام و خاص به راهبرد نظارت با عناوین مختلف از جمله امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرده و ما را بر صحت و درستی این راهبرد مُصِرّ می‌گرداند. در ادامه بحث به عنوان نمونه به یک مورد اشاره می‌گردد. امام صادق(ع) به نقل از حضرت امیرالمومنین(ع) می‌فرماید: «أَیُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَا یُعَذِّبُ الْعَامَّةَ بِذَنْبِ الْخَاصَّةِ إِذَا عَمِلَتِ الْخَاصَّةُ بِالْمُنْکَرِ سِرّاً مِنْ غَیْرِ أَنْ تَعْلَمَ الْعَامَّةُ فَإِذَا عَمِلَتِ الْخَاصَّةُ بِالْمُنْکَرِ جِهَاراً فَلَمْ یُغَیِّرْ ذَلِکَ الْعَامَّةُ اسْتَوْجَبَ الْفَرِیقَانِ الْعُقُوبَةَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَل» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۹۷: ۷۸؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج۱۶: ۱۳۶).

علت چنین عقوبتی از آن جهت است که افراد با توجه به جایگاه و موقعیت اجتماعی که دارند، آثار متفاوتی بر عموم جامعه گذاشته و آن را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد؛ از این‌رو، همان‌طوری که شواهد عینی نشان می‌دهد، اشتباهات و فسادهای اداری کارگزاران و کارمندان در نظام اسلامی و کارگزاران و کارمندان به علت حساسیت و توجهی که عامه نسبت به آن‌ها دارند با کوچک‌ترین خطایی، سبب بی‌اعتمادی مردم به اسلام و نظام خواهد شد؛ از این‌رو، سزاوار است با فراهم‌کردن امکانات و زیرساخت‌های حقوقی مورد نیاز نظارتی، به این دستورات عالمانه شرعی جامه عمل پوشانده شود. همان‌طور که حضرت بیان می‌کند، نظارت؛ چنین تاثیر مثبتی بر حکومت و مدیریت دارد؛ بنابراین، با علم به اهمیت و جایگاه نظارت همگانی، آن را فریضه‌ای بر ذمهٔ عموم مردم بیان کرده‌اند، آنجا که می‌فرماید: «وَ أَمَّا حَقِّی عَلَیْکُمْ فَالْوَفَاءُ بِالْبَیْعَةِ وَ اَلنَّصِیحَةُ فِی اَلْمَشْهَدِ وَ اَلْمَغِیبِ» (سید رضی، ۱۴۱۴ق: ۴۴؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج۸: ۳۴۶)

خیرخواهی که در روایت به آن اشاره شده است، صور مختلفی دارد؛ نظارت و امر به معروف و نهی از منکر، یکی از جلوه‌های خیرخواهی است؛ راهبرد نظارت در پرتوی امر به معروف و نهی از منکر به عنوان نصیحتی خیرخواهانه است از جانب مردم نسبت به اصحاب قدرت و دولتمردان و حتی زیردستان آن‌ها؛ به عبارت دیگر، همان‌طور که نصیحت را اشتقاق از «نصحت الثوب؛ دوختن لباس» آورده‌اند، ناصح کارگزاران نیز با نصیحت خیرخواهانه خود، نقاط ضعف و کاستی‌های ایشان را برای ترمیم بیان می‌کند؛ از این جهت، نقش مردم در اصلاح ایشان، نقش خیاطی است که لباس کهنه به وسیلهٔ وی، جلوه تازه یافته و نواقصش برطرف می‌شود (مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ج۹: ۹۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج۹: ۱۴۲).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.241]

در نظام مدیریتی فقهای عامل (مدیر) نیز همچون مرحوم نراقی، محقق کرکی، شیخ بهایی، امام خمینی(ره) (خمینی، ۱۳۸۹، ج۵: ۵۲۵-۵۲۴؛ همان، ج۷: ۳۴-۳۳) و ... به این مساله توجه شده است و در سطح جامعه، اقدام به اجرای چنین احکام اجتماعی و سیاسی اسلام نموده‌اند؛ چنانکه در راستای نظارت بر حسن اجرای امور سیاسی و اجتماعی، محقق کرکی، شخصا ادارۀ دربار را با وجود شخص شاه برعهده می‌گیرد، یا به صورت محدودتری، مرحوم نراقی با مشورت و نصیحت به شاه، این فریضه را به اجرا می‌گذارد (قوامی، ۱۳۹۲، ج۱: ۲۴۴).

این مساله به‌خوبی در استفتائی که از مقام معظم رهبری (مد) صورت گرفته است نیز مبرهن و آشکار است؛ ایشان مخالفت با قوانین و مقررات و دستورات دولت اسلامی را برای هیچ‌کس جایز ندانسته و در صورت تحقّق مخالفت توسط فردی در این‌خصوص، تذکر و راهنمایی و نهی از منکر را بر دیگران لازم دانسته‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۶۹۵) و در استفتائی دیگر می‌فرماید: «اگر گزارش‌ها راجع به امور علنی باشد و عنوان تجسس و غیبت بر آن‌ها صدق نکند، اشکال ندارد و بلکه در صورتی که جزء مقدمات نهی از منکر باشد واجب است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۶۹۵). با استناد به این سخن، علاوه بر مهر تایید بر مشروعیت به‌کارگیری راهبرد نظارت توسط سیستم‌های الکترونیکی مذکور، به‌علت داشتن نقش سازنده در نهی و مقابله با فساد، از مقدمات نهی قرار می‌گیرد و فراهم نمودن و ایجاد زیرساخت‌های آن از وجوب شرعی برخوردار می‌گردد؛ بنابراین، تنظیم و تقنین قوانین حقوقی به‌کارگیری سیستم‌های الکترونیکی نوین امر به معروف و نهی از منکر برای جامعۀ تراز اسلام در شرایط کنونی که فناوری رشد چشمگیری داشته و به‌طبع، مفاسد نیز به همین‌ترتیب، پیچیدگی‌های خاصی پیدا کرده است؛ از الزامات شرعی و عقلی غیرقابل انکار است.

۲-۲. قاعده حفظ نظام اسلامی

نظام در لغت به معانی مختلفی به‌کار گرفته شده است. (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج۸: ۱۶۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج۱۲: ۵۷۸)؛ ولی در اصطلاح برخی متون، مراد از آن؛ سامان‌داشتن زندگی و معیشت مردم عنوان شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج۴: ۹۷) و گاهی کیان کشور اسلامی و مسلمانان را مد نظر قرار داده‌اند (کاظمی خراسانی، ۱۴۰۷ق، ج۱: ۳۳۵؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج۲۱: ۴۷؛ خمینی، بی تا، ج۱: ۴۸۵)، برخی نیز در آثار خود از آن به حکومت و رژیم یاد کرده‌اند (قاضی، ۱۳۹۲: ۵۴) و گروهی دیگر، این واژه را خرده نظام‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دانسته‌اند (چلبی، ۱۳۹۵: ۵۳)؛ سرانجام، در برخی منابع نیز از آن به دین اسلام تعبیر شده است (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج۱: ۹۹؛ آمدی، ۱۴۱۰ق: ۱۷۷).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.241]

با مداقه روشن است که همهٔ این معانی در عین کثرت، وحدتی دارند که از صدر تا ذیل، تابع سلسله مراتب طولی ابتنایی بوده است و اخلال در هر یک از این سلسله نظامات، موجبات اخلال در نظامات دیگر را نیز فراهم می‌آورد. (ملک افضلی اردکانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۹)؛ اما آنچه در متن حاضر بیشتر مورد نظر بوده و مباحث، حول آن تشریح یافته، حفظ حکومت اسلامی است.

شکل‌گیری حکومت جمهوری اسلامی ایران، حاصل تلاش‌ها و مجاهدت‌های طاقت‌فرسای امام راحل، یاران انقلاب، جانفشانی‌های مردم و خون هزاران شهید است که بدون تردید، یکی از استلزامات حفظ این نظام، اسلامی‌کردن و اصلاح نظام اداری و مبارزه با فساد در آن می‌باشد. همان‌طور که امام خمینی(ره)، ضمن بالاترین فریضه خواندن حفظ اسلام، حفظ جمهوری اسلامی را اعظم فرایضی دانسته‌اند که بر عهدهٔ عموم ملت قرار گرفته است (خمینی، ۱۳۸۹، ج۱۵: ۳۲۹).

در واقع، ایشان حفظ حکومت اسلامی را به عنوان واجب غیری (در مقابل واجب نفسی) بیان کرده‌اند (ملک افضلی اردکانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۴).

این امر از باب مقدمه واجب، واجب شده است؛ ولی اگر حفظ نظام واجب باشد، حفظ خرده‌نظام‌های داخلی آن نیز به جهت نقش ایجاد پایه‌های نظام کلان، واجب خواهد بود.

بنابراین، حفظ نظام از واجبات مؤکد است؛ از این‌رو ایجاد اخلال در امور مسلمانان از امور مورد غضب الهی می‌باشد (خویی، ۱۴۱۶ق، ج۱: ۵۵۵؛ خمینی، ۱۴۲۹ق، ج۲: ۶۱۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۵۰۵) و ایجاد فساد اداری، مصداقی از اخلال در امور مسلمین است که در راستای جلوگیری از آن و حفظ نظام، ایجاد سیستم‌های الکترونیکی مورد نظر از واجبات نظامیه بوده که باید زمینه‌های به‌کارگیری آن را فراهم نمود.

فقهای دیگری چون حضرات آیات، اراکی و گلپایگانی نیز به این مساله توجه کرده و از لزوم حفظ نظام و ممنوعیت اخلال در امور مسلمین و حفظ نظام کشور سخن گفته‌اند (اراکی، ۱۳۷۱: ۶۰۲؛ گلپایگانی، ۱۴۱۳ق، ج۳: ۲۱۴)؛ همچنین در لابلای آثار فقهی دیگر بزرگان نیز به سلسله نظامات، اشاراتی شده و به مناسبت موضوع از فقه قضایی تا فقه اقتصادی و فقه سیاسی، لزوم حفظ آن و علل تشریع احکام بر مبنای آن مورد توجه قرار گرفته است (غروی اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ج۲: ۶۰؛ علامه حلی، ۱۴۲۳ق، ج۱: ۵۴؛ روحانی، ۱۳۸۲، ج۶: ۱۲۸؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ج۲: ۲۶۱؛ خمینی، ۱۴۱۸ق: ۱۶).

علاوه بر این، حکم عقل به‌تنهایی و فارغ از ادله معتبر دیگر، اعتبار و حجیت حفظ نظام را ذیل مستقلات عقلیه به اثبات می‌رساند؛ چرا که مجرد عقل، توانایی درک حسن و قبح افعال را دارد؛ و از طرف دیگر،

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.241]

چون هر آنچه عقل بدان حکم کند، شرع نیز به آن حکم می‌کند؛ می‌توان در راستای بحث حاضر نیز چنین استدلال نمود که عقل به‌تنهایی در کنار تمام منابع معتبر شرعی، به لزوم ایجاد و حفظ نظام اداری حکم می‌کند و ملازمهٔ چنین حکم عقلی با حجیت شرعی آن، مؤید دیدگاه شریعت اسلامی است؛ از این‌رو، ایجاد و حفظ نظام اداری با حکم شرع ملازمت پیدا کرده و به اثبات می‌رسد. صحت این کلام هنگامی آشکار می‌شود که با دقت در ادله و روح حاکم بر احکام شریعت اسلامی می‌بینیم که چه در جایگاه وضع احکام و چه در مرحله اجرا، هیچ مشروعیتی بر عملی که موجب نابسامانی زندگی اجتماعی مردم شود وجود ندارد (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج۲: ۶۱۹؛ نائینی، ۱۴۲۴ق: ۴۰) و این بحثی است که در ادامهٔ کلام بیشتر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۳-۲. سیره عقلا

سومین دلیلی که می‌توان برای مشروعیت و لزوم ایجاد سیستم‌های الکترونیکی گزارش‌دهنده فساد برای اجرای نظارت مردمی به آن تمسک نمود، سیره عقلاست که شیوه عملی و یا ارتکازات درونی همه عقلای عالم را دربرمی‌گیرد (جاویدی،۱۳۹۲: ۳۵).

اعتبار چنین دلیلی از آنجا نشأت می‌گیرد که علاوه بر اینکه برخاسته از فطرت و عقل متعارف است، به شرط عدم‌مخالفت با شرع مقدس می‌تواند به صورت طریقی و یا موضوعی حجت واقع شود (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۷ق، ج۴: ۲۳۴؛ صدر، ۱۴۱۷ق، ج۹: ۱۹۳؛ خمینی، ۱۴۲۱ق، ج۲: ۱۳۰).

بر همین اساس، متذکر می‌شویم که جامعه اسلامی نباید همچون دیگر جوامع بشری، سریر قدرت باشد؛ بنابراین، از آنجا که سه هدف: نظم، امنیت و عدالت به عنوان اهداف اصلی جامعه (عمیدزنجانی، موسی‌زاده، ۱۳۸۹: ۴) در مسیر رشد و تعالی با قدرت به ثمر می‌رسد، عقل(موضوعی)، حکم به تنظیم و تنسیق قدرت در روابط افراد جامعه می‌کند؛ چرا که قدرت غالبا زمینه‌ساز فساد است و با آن ارتباطی تنگاتنگ دارد؛ چنانکه در قرآن کریم نیز به آن اشاره شده است: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيَطْغَى** أَنْ رَآهُ اسْتَغْنَى» (علق: ۷-۶)؛ بنابراین، اگر این قدرت بی‌بندو بار باشد؛ منجر به یکی از رژیم‌های سیاسی مونوراشی[1](سلطنتی)، تیرانی[2] (استبدادی) و... می‌شود (قاضی، ۱۳۹۲: ۱۰۳).

1. Monarchie
2. Tyrannie

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.241]

«IPAB»[1] یکی از چندین نمونه‌های جهانی مبارزه با قدرت است که در کشورهایی مانند یونان، مجارستان، صربستان، مکزیک، کلمبیا و... طراحی و اجرا شده است (مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد، ۱۳۹۶: ۴۵-۳۹)؛ از این‌رو، موضوع مؤید آن است که دیگر عقلا فارغ از دین و مذهب، چنین راهکاری را مد نظر داشته و از آن بهره می‌برند.

در ادامه، باید به این نکته نیز اشاره کرد که به‌کارگیری سیستم‌های مورد نظر به عنوان پیشگیری از وقوع جرم، مقدم بر کیفر بوده و استفاده از آن به صورت حداقل ممکن است؛ این ترجیح امری عقلی(موضوعی و طریقی) است و شارع مقدس نیز این مسأله را مقبول دانسته است؛ چرا که بر اساس قاعده ملازمه حکم عقل و شرع، شارع نیز با این حکم عقلی مخالفت نکرده، بلکه روش و سیره شارع و عقلا نیز همین است و پیشگیری را مقدم بر کیفر قرار داده‌اند؛ چنانکه انگیزه عقلا در مسأله پیشگیری، جلوگیری از اختلال در نظام اجتماعی و حفظ مصالح عمومی است؛ چون همین جنبه و حیثیت عقلانی، آن‌ها را به چنین پیشگیری وا می‌دارد و شارع نیز بر آن تاکید دارد (حسینی قائم‌مقامی، ۱۳۷۸: ۲۳۶؛ خمینی، ۱۴۲۷ق، ج۱: ۱۰۶-۱۰۵). همانند نهاد حسبه در شریعت اسلام که در راستای پیشگیری وضعی از بزهکاری ایجاد شده است (ابن‌خلدون، ۱۴۱۰ق، ج۱: ۲۲۵) و مسألهٔ امر به معروف و نهی از منکر که زیربنای به‌کارگیری سیستم‌های مورد نظر بوده و از آن با عنوان مقابله و پیشگیری از تسلط نابکاران بر مردم یاد شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۵: ۵۶).

در یکی از پژوهش‌های جرم‌شناختی نیز، پیشگیری به عنوان راهکاری موثر برای کاهش جرایم مورد توجه قرار گرفته و نظارت سبب افزایش خطر دستگیری برای مجرمان و درنتیجه کاهش جرایم بیان شده است. در این تحقیق، خطر جرم در صورت عادی تلقی‌شدن و عدم مقابله با آن، موجب جری‌شدن مجرم دانسته شده است (ماری، ۱۳۸۳: ۳۳۰و۳۵۱).

درنتیجه باید گفت که در هر حکومتی با توجه به تمرکز قدرت و ثروت و وجود زمینه‌های ایجاد فساد، راهبرد نظارت همگانی، یکی از شیوه‌های کنترل آن محسوب شده که توسط شارع مقدس اسلام نیز به شیوه‌های مختلف به مکلفین ابلاغ شده است و مورد توجه قاطبهٔ عقلا قرار گرفته و سیرهٔ اجتماعی آن‌ها نیز مؤید این ادعاست؛ بنابراین، به حکم شرع و عقل باید سازوکاری برای مهار چنین قدرتی طراحی شود؛ چون قدرت با قدرت مهار می‌شود و راهبرد نظارت توسط بستری به نام سیستم‌های الکترونیکی گزارش‌دهنده فساد، بهترین قدرت خارج از سیستم اداری است.

---

1. I Paid a Bribe

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.241]

٤-۲. لزوم حفظ حقوق عمومی

حقوق عمومی شامل قواعد حاکم بر اجتماعیست که منجر به حفظ حقوق مردم از جمله نظم عمومی و عدالت در آن می‌شود (صادقی، ۱۳۸۴: ۹۱). دکتر جعفری لنگرودی، این مسأله را به‌خوبی در تعریف عامی که از نظم عمومی ارائه داده‌اند، روشن ساخته و آن را قواعدی که موجبات قوام و بقای ذات و حیثیت و منافع یک ملت را فراهم کند، عنوان کرده‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱: ۷۱۷). در حول همین معنا و مفهوم می‌توان به روایتی از امیرالمومنین علی(ع) اشاره کرد که چند محور اساسی از حقوق عمومی را تحت موضوعاتی چون: خیرخواهی حاکم نسبت به مردم، تنظیم مسائل اقتصادی، تعلیم و آموزش عمومی، تربیت و پرورش مردم بیان کرده‌اند (سید رضی، ۱۴۱۴ق: ۴۴-۴۳؛ عمیدزنجانی، ۱۳۹۰: ۳۳۶).

در شریعت مقدس اسلام به عنوان تمدن حاکم بر جامعه‌ی ایرانی، مبانی نظم و عدالت و رعایت حقوق عمومی از چنان جامعیتی برخوردار بوده که از جزئی‌ترین مسائل مانند کنترل بر بازار (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج۱۷: ۲۸۲؛ ابن‌بابویه، ۱۴۱۳ق، ج۳: ۱۹۳؛ کتانی، بی‌تا :۲۴۰) و احتکار (سید رضی، ۱۴۱۴ق: ۳۷۷؛ ابن‌حیون، ۱۳۸۵ق، ج۲: ۳۶) تا مسائل کلان حکومتی از جمله امر به معروف و نهی از منکر (ابن اخوه، ۱۴۰۸ق: ۸۳-۶۱)، جلوگیری از نفوذ خیانتکاران و فاسقان (تبریزی، ۱۴۱۶ق، ج۳: ۴۵) و... مورد توجه شارع قرار گرفته و بر اهمیت مقابله با این دست از مسائل توجه شایانی شده است (نائینی، ۱۴۲۴ق، :۷۶) که گاهی با عنوان حسبه از آن یاد می‌شود (خویی، ۱۴۱۸ق، ج۱: ۳۸۹؛ نراقی، ۱۴۱۷ق: ۵۳۶؛ بحرالعلوم، ۱۴۰۳ق، ج۳: ۲۹۰؛ خمینی، ۱۴۲۱ق، ج۲: ۶۶۵؛ ابن اخوه، ۱۴۰۸ق: ۵۱) و علاوه بر تکلیف حاکمیت در مقابله و مبارزه با مفاسد، از نوع مردم نیز در اجرای عدالت و مبارزه با فساد به نام «مُتَطَوِع» یاد کرده است (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج۳، :۴۰۵).

حرمت افساد فی الارض در قرآن کریم (مائده: ۳۳) گواه دیگریست بر اهتمام شارع مقدس به نظم برای حفظ آرامش و حقوق عمومی مردم. حفظ حقوق و امنیت مردم از مسلماتی بوده که عمل متعارض با آن مجازات شدیدی چون قتل، قطع، تبعید و... در پی دارد (فاضل مقداد، ۱۴۱۹ق، ج۲ :۳۵۲؛ ماده ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی)؛ امنیتی که بیان شده است، تنها امنیت جانی نبوده، بلکه امنیت مالی، حقوقی، سیاسی و... را نیز شامل می‌شود؛ درنتیجه، مفسد فی الارض، موضوع حکم نبوده، بلکه مفسد بما هو مفسد است که موضوع مجازات قرار گرفته است (طوسی۱۴۰۰ق: ۷۲۲-۷۲۱)؛ بنابراین مفسد فی الارض اختصاصی به محارب نداشته و قابل تسری به تمام اعمالی است که امنیت مالی، جانی، حقوقی و سیاسی مردم را با مخاطره روبرو می‌کند.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.241]

در بند هشتم اصل سوم قانون اساسی نیز به این امر توجه جدی شده است. در این بند، دولت موظف شده است امکانات لازم برای مشارکت عامهٔ مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش را فراهم نماید.

بنابراین با تکیه بر مباحث پیش‌گفته و تاکید بر اهمیت حفظ حقوق عمومی، اگر شخصی در نظام اداری عملی انجام دهد که منجر به ایجاد فسادی گردد که این حقوق را از بین برده، بر امنیت اداری حکومت اسلامی خدشه وارد کند، از لحاظ فقهی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باید زمینه برخورد با آن را دولت فراهم نماید. سیستم‌های الکترونیکی مورد اشاره، نمونهٔ روشنی از شیوه‌های مقابله با چنین اموری است که در مقابل متعرضان به حقوق عمومی و اخلالگران نظام اداری باید ایجاد و از آن حمایت گردد که برابر سوابق و تجربیات دیگر کشورها از تداوم و رشد فساد در سیستم اداری جلوگیری می‌کند. بر این اساس، باید زمینه‌های اجرایی و قانونی راهبرد نظارت برای به‌کارگیری سیستم‌های مورد نظر فراهم شود تا حقوق عمومی حفظ گردد.

اما باید به این امر نیز توجه داشت که در نظام حقوقی حکومت اسلامی، تا زمانی که احکام شرعی و فقهی، پشتوانهٔ قانونی نداشته باشند، قابلیت عملیاتی‌کردن آن در سطح گسترده وجود نخواهد داشت؛ از همین‌رو، باید مجلس شورای اسلامی این اصل پذیرفته‌شده در شریعت را وجاهت قانونی بخشیده و عنصر قانونی آن را با سازوکار مشخصی فراهم نماید تا مردم بتوانند از این طریق، حق خود را مطالبه نمایند. همان‌طوری که در سال‌های اخیر، نقش شبکه‌های مجازی در احیای حقوق مردم و افشای فساد بسیار موثر بوده است.

۳. چالش‌های فقهی و حقوقی به‌کارگیری سیستم‌های الکترونیکی گزارش‌دهنده فساد

چالش مهمی که در بدو نظر در این خصوص به ذهن می‌رسد، ممنوعیت اعمالی مانند حرمت تجسس، منع بدگمانی، منع افشای عیوب، منع تهمت، منع عیب‌گویی و... است که در آیات و روایات متعددی بر رعایت آنها تاکید شده است است؛ چرا که به ظاهر، مخالف به‌کارگیری این نوع سیستم نظارتی است؛ زیرا تمام این موارد به نحوی از انحاء مرتبط با نظارت می‌باشد؛ هر چند به صورت مستقیم دال بر نفی و نهی نظارت نبوده، بلکه امکان دارد از ثمرات منفی آن به شمار رود. در ادامه بحث، برای رعایت اختصار به یک نمونه اشاره می‌گردد. در سوره حجرات می‌خوانیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيراً مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا ...»(حجرات: ۱۲)

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.241]

در تحلیل آیه شریفه فوق با عنایت به تفاسیر (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج۱۸: ۲۳۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۲۲: ۱۸۳؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج۱۲: ۳۴۱)، می‌توان بیان کرد که اگر به هنگام نظارت دربارهٔ کارمند و یا کارگزاری، ظن بدی به دل وارد شد، آن را نپذیریم و بدان، ترتیب‌اثر ندهیم؛ تعلیل آن نیز این است که کلمه «کثیراً» که به عنوان نکره آمده است، تاکید بر آن دارد که ظن گناه فی‌نفسه زیاد است؛ بنابراین، باید از آن اجتناب نمود و به همین جهت در ادامهٔ آیه از تجسس نهی کرده است؛ همچنین برخی این احتمال را دادند که ممکن است مراد اعم از خصوص ظن گناه باشد (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج۱۸: ۲۳۲) به این معنا که از بسیاری از ظن‌هایی که در مورد کارمندان و کارگزاران وجود دارد، چه آن‌هایی که می‌دانیم و چه آن‌هایی که نمی‌دانیم گناه است از باب احتیاط باید اجتناب بکنیم.

آیات دیگری (نساء: ۱۱۲و ۱۴۸؛ توبه: ۷۹؛ حجرات: ۱۱) نیز وجود دارد که هر یک در جای خود به عنوان آیات مخالف با سیستم نظارتی می‌تواند بیان شود و جزء گروه ادله مخالف با آن قرار بگیرد؛ ولی به جهت اختصار به همین مقدار اکتفا نموده و روایات متعارض را بیان می‌کنیم.

در روایات هم همانند آیات قرآن کریم به صور مختلف، مفاهیمی به ما رسیده است که فی‌الجمله، امکان آن را دارد که سیستم‌های گزارش‌دهنده فساد در پرتوی راهبرد، نظارت را با چالش روبه‌رو کرده و به‌کارگیری آن را در نظام اسلامی با دشواری همراه نماید.

به عنوان نمونه، امام جعفر صادق(ع) از جستجو در لغزش‌های مومنین که ماهیت ذاتی به‌کارگیری سیستم‌های الکترونیکی مورد نظر است، نهی کرده و می‌فرماید: «لَا تَطْلُبُوا عَثَرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنَّ مَنْ تَتَبَّعَ عَثَرَاتِ أَخِيهِ تَتَبَّعَ اللَّهُ عَثَرَاتِهِ وَ مَنْ تَتَبَّعَ اللَّهُ عَثَرَاتِهِ يَفْضَحْهُ وَ لَوْ فِي جَوْفِ بَيْتِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۲: ۳۵۵؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج۱۰: ۴۰۲).

همچنین در روایتی دیگر با استناد به آیه قرآن، حرمت ریختن آبرو که از نتایج به‌کارگیری سیستم‌های مذکور است را بیان داشته و فرموده‌اند: «مَنْ قَالَ فِي مُؤْمِنٍ مَا رَأَتْهُ عَيْنَاهُ وَ سَمِعَتْهُ أُذُنَاهُ فَهُوَ مِنَ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ- إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذابٌ أَلِيم(نور۲۴: ۱۹)»(کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۲: ۳۵۷؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج۱۲: ۲۸۰؛ ورام‌بن‌أبی‌فراس، ۱۴۱۰ق، ج۲: ۲۱۹).

علاوه بر آن، فقها نیز به اَشکال مختلف در این خصوص اظهارنظر کرده و افشای سّر و تجسس در امور زندگی افراد را منع کرده‌اند و معتقدند، بردن آبروی اشخاص هم فی نفسه منع دارد و هم ممکن است موجب تضعیف نظام اسلامی شود (خراسانی، مساله ۲۰۷۳؛ منتظری، ۱۴۰۹ق، ج۳: ۵۷۶-۵۷۵؛ همان، ج۴: ۲۸۴-۲۸۳؛ سبحانی، ۱۴۲۱ق، ج۲: ۵۴۰؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۱۷ق، ج۲: ۱۴۰؛ مقدس اردبیلی،

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.241]

بی‌تا: ۴۱۷)؛ همچنین از اصل ۲۵ قانون اساسی و ماده ۵۸۲ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی نیز ممکن است چنین استنباط شود (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قانون مجازات اسلامی جدید، مصوب ۱۳۹۲).

اما چنانکه از قرآن، روایات و کلام فقها مشخص است، هر دو گروه از ادله موافق و مخالف نظارت، دارای استحکام فقهی و حجیت شرعی هستند؛ از این‌رو، نمی‌توان یکی از آن‌ها را گرفته و دیگری را رها کرد، از آن جهت که امکان تعارض بین قوانین اسلامی بالذات امکان ندارد؛ باید با کنکاش و تحلیل محتوای هر یک از ادلهٔ موجود، این تعارض غیرمستقر را رفع نمود.

رفع تعارض غیرمستقر این دو دسته از دلایل بدین صورت است که هر دو دلیل، موضوع جداگانه‌ای داشته و ادلهٔ مخالف با راهبرد نظارت حقیقتا از موضوع ادلهٔ موافق با این راهبرد خارج است؛ به عبارت دیگر، ادله‌ای که ممکن است عده‌ای با تمسک به آن‌ها، مخالف با به‌کارگیری سیستم مذکور مبارزه با فساد باشند، به امور و اسرار شخصی افراد حکومت توجه دارد؛ در حالی که دلایل موافق با چنین راهبردی در اصل مربوط به آن دسته از امور و رفتارهای سازمانی و اداری که در ارتباط با حقوق عامه است مربوط می‌گردد؛ بنابراین، موضوع ادله اول تخصصا از موضوع ادله دوم خارج می‌شود و این تعارض غیرمستقر و ظاهری بوده که با اندکی تامل در هر یک از دلایل پیش‌گفته، مشکل ظاهری برطرف و حجیت راهبرد نظارت برای به‌کارگیری سیستم‌های الکترونیکی مذکور به اثبات می‌رسد؛ چرا که هیچ‌گاه نقل نمی‌تواند با حکم قطعی عقلی تعارض داشته باشد (انصاری، ۱۴۲۸ق، ج۱: ۵۵؛ صدر، ۱۴۲۱ق، ج۱: ۱۴۹).

با این‌حال، نمی‌توان به صورت مطلق با تمسک به ادلهٔ مذکور، به هر شیوه اعمال نظارت کرد؛ چرا که کارمندان و کارگزاران فقط صورت زندگی سازمانی و اداری ندارند؛ بلکه آن‌ها نیز اعمال و رفتاری دارند که در حوزهٔ زندگی خصوصی و شخصی آن‌ها صورت می‌گیرد. براساس ادله دسته دوم، عدم‌رعایت آن‌ها از سوی افراد دیگر ممنوع اعلام شده است؛ به همین جهت، در ادله‌ای که از سوی شارع مقدس در نظر گرفته شده است، سیستم نظارتی؛ شکل منحصر به‌فردی به‌خود می‌گیرد که در عین کارایی و رصد امور، نباید در این راستا به حقوق خصوصی هیچ یک از افراد حقیقی و حقوقی تعرض و خدشه وارد شود.

بنابراین، در ایده سیستم‌های مذکور؛ اولین و بلکه مهم‌ترین دغدغه‌ای که از منظر حقوق اسلامی حول محور کارکردهای آن شکل می‌گیرد؛ مسألهٔ حفظ حرمت و آبروی فرد کارمند و کارگزار در حوزهٔ اعمال و امور اداری و اجتماعی است که باید مورد توجه جدی قرار بگیرد تا موجبات مشروعیت شرعی و مقبولیت مردمی را فراهم آورد؛ از همین جهت، فقها در موارد تعارض وجوب برخی احکام شرعی با احکام واجب

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.241]

دیگر، با بیان حکم ثانوی، وجوب آن حکم شرعی را از اعتبار می‌اندازند؛ چنانکه در وجوب امر به‌معروفی که موجب ترتب مفسده‌ای شود، وجوب آن از بین خواهد رفت (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج۲۱: ۳۷۱؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰ق، ج۴: ۴۲)؛ چنانکه رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در استفتائات خود حول موضوع گزارش فساد بیان کرده‌اند: «کشف و بیان امور خصوصی و شخصی در برابر دیگران، اگر به نحوی مربوط به افراد دیگر هم باشد و یا موجب ترتب مفسده شود، جایز نیست.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۶۹۵).

در پاسخ به اشکال مذکور باید گفت: گرچه اصل اولی حرمت، هتک آبروی افراد است؛ اما به طور مطلق ممنوع نیست؛ بلکه در مواردی براساس احکام ثانویه، مجاز می‌شود؛ چرا که براساس آن، حکم اولیه تغییر کرده و دیگر عرض و آبروی افراد مانند مجرم محترم نخواهد بود. چنانکه آمده است، ترس از بین‌رفتن آبروی متهم از نظر رسمی، مجوزی برای کوتاهی از احقاق حق جهت حفظ بیت‌المال محسوب نمی‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۶۹۵). ریشهٔ چنین امری باید در منافع و مفاسد آن جستجو شود؛ چون گاهی منافع امری بر مفاسد آن غلبه پیدا می‌کند. همان‌گونه که در قرآن کریم نیز به آن اشاره شده است (بقره: ۲۱۹) و در روایتی به این مساله توجه گردیده و تجسس‌های بیهوده از نادانی دانسته‌شده است. (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۳۱۷)؛ یعنی تجسس‌هایی که بیهوده نبوده است و فایده مهم و عمومی دارد، ممنوع نیست.

براین اساس، در قانون مجازات اسلامی جدید در ماده ۱۹، ذیل مجازات درجه شش نیز به این مساله پرداخته شده است؛ با این تفصیل که ریختن آبروی شخص مجرم به عنوان کیفر تبعی مورد نظر مقنن بوده که ناشی از اجرای مجازات اصلی است؛ همانند انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها که موجب شهرت وی می‌شود.

در مورد موضوع بحث حاضر نیز، بستر سیستم‌های الکترونیکی؛ چنین قابلیتی را به نظام‌های اداری می‌دهند که کارمندان متخلف؛ شناسایی و از به‌کارگیری آن‌ها ممانعت گردد و زمینه‌های پیشگیری از ارتکاب تخلفات گوناگون فراهم شود؛ که مسالهٔ تشهیر کارمندان متخلف توسط این سیستم‌ها، یکی از مصادیق آن است که توسط این بسترهای الکترونیکی اجرا می‌گردد؛ بنابراین، از سیستم‌های مذکور علاوه بر دریافت گزارش تخلفات کارمندان متخلف، می‌توان در حوزهٔ تعزیرات بهره برد و به عنوان مجازات افراد متخلف نظام اداری، توسط آن بستر، تشهیر رسانه‌ای انجام داد؛ چنانکه فقهای بزرگی چون علامه حلی(۱۴۲۰ق، ج۵: ۴۱۰-۴۱۱)، شیخ طوسی(۱۳۸۷ق، ج۸: ۶۶) و شهید اول(۱۴۰۰ق، ج۲: ۱۴۲)؛ همچنین فقهای اهل سنت (جزیری، ۱۴۱۹ق، ج۵: ۵۸۹؛ ابن‌قیم جوزی، ۱۴۱۱ق، ج ۲: ۷۶) این مساله را

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.241]

در اختیار حاکم قرار داده‌اند (التعزیر بما یراه الحاکم). (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج۵: ۴۹۷؛ ابوالصالح حلبی، ۱۴۰۳ق: ۴۱۷؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج۳: ۵۳۵؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ۸۱۰).

همچنین در تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی جدید(۱۳۹۲) نیز در جرایمی مانند رشوه و اختلاس و ... که موضوع این تحقیق هست، انتشار حکم محکومیت قطعی در رسانه ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار را الزامی دانسته است.

علاوه بر این، می‌توان به قوانین دیگری چون ماده یک قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی، ماده ۲ و ۴ قانون تعزیرات حکومتی، ماده ۲۷ قانون حمایت حقوق مؤلّفان و مصنفان و هنرمندان، بند ۵ ماده ۱۲ و ۱۷ قانون اقدامات تأمینی اشاره کرد که در هر کدام، انتشار حکم به صور مختلف مورد نظر قرار گرفته است.

با این وجود، به‌کارگیری سیستم‌های الکترونیکی به این سهولت نیست و به علت انتشار اخبار کذب و ریختن آبروی کارمندان، مدیران و...، نیازمند دقت و ظرافت در ساخت بسترهای آن است؛ بنابراین، این امر موجب شده است تا نحوه به‌کارگیری آن نیز مورد توجه قرار بگیرد؛ به همین جهت، با استفتائی که از برخی مراجع معظم انجام دادیم، پاسخ ایشان به این مطلب منتهی شد که لازم است ثبت گزارش‌ها به‌گونه‌ای تنظیم شود که قبل از اثبات تخلف با دلایل معتبر، موجب رفتن آبروی اشخاص حقیقی و حقوقی نشود (مکارم شیرازی: استفتائات، با کد: ۱۳۹۸۰۱۰۷۰۰۶۵؛ نوری همدانی: استفتائات، با کد: ۳۴۰۵۳؛ حسینی سیستانی: استفتائات، با کد: ۸۷۲۹۹۹).

در سیره حضرت امیرالمومنین علی(ع) نیز چنین بوده و آن حضرت در نامه‌ای خطاب به یکی از فرمانداران خود فرمودند: «فَقَدْ بَلَغَنِی عَنْکَ أَمْرٌ إِنْ کُنْتَ فَعَلْتَهُ فَقَدْ أَسْخَطْتَ رَبَّکَ وَ عَصَیْتَ إِمَامَکَ وَ أَخْزَیْتَ أَمَانَتَکَ»(سیدرضی، ۱۴۱۴ق: ۳۵۳). در نامه مذکور، علاوه بر کلمه «بَلَغَنِی» که دلیل محکمی بر مشروعیت چنین سیستم نظارتی است؛ عبارت، بیانگر آن است که از اقدامات شتاب‌زدهٔ بدون اثبات، جلوگیری شود و تا زمان آشکار شدن آن با استفاده از دلایل معتبر، نمی‌توان به فردی از افراد، تهمت تخلف از اصول و قوانین اداری زد؛ بنابراین، ساختار چنین سیستم‌هایی باید به‌گونه‌ای باشد که احکام شرعی در آن مدنظر قرار گیرد و قبل از اثبات جرم توسط مرجع صالح، آبروی افراد حقیقی و حقوقی خدشه‌دار نگردد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.241]

٤. نتیجه‌گیری

با توجه به مطالبی که در این تحقیق مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت، می‌توان نتایج زیر را به‌دست آورد:

سیستم‌های الکترونیکی گزارش‌دهنده فساد همان‌طور که در برخی کشورها نیز اجرا می‌گردد؛ یکی از اقدامات نوین نظارتی برای مقابله با فساد است که می‌تواند به عنوان یک ابزار مهم برای شفافیت و پاسخگویی، همچنین شناسایی و کاهش فساد مورد توجه قرار گیرد و می‌تواند موجب بهبود مشارکت مدنی شود و جبهه‌ای از قدرت مردمی را در مقابل متخلفین ایجادکند و از طغیان و خودکامگی کارگزاران، کارمندان و... جلوگیری کند و مفسدین را به دستگاه قضایی برای برخوردهای لازم معرفی نماید.

لزوم نظارت همگانی در امور اجتماعی، نصیحت و خیرخواهی برای مسئولین، قاعده حفظ نظام اسلامی، عقل‌گرایی و سیره عقلا و لزوم حفظ حقوق عمومی از جمله مبانی فقهی و حقوقی به‌کارگیری سیستم-های الکترونیکی گزارش‌دهنده فساد در نظام جمهوری اسلامی ایران هستند؛ بنابراین، به حکم عقل و شرع؛ مقنن باید با مطالعه و با استفاده از کارشناسان مربوطه و بررسی همه‌جانبه آن، زمینه ایجاد چنین سیستم‌هایی را در کشور برای مبارزه با فساد اداری از نظر قانونی فراهم نمایند؛ چرا که اگر احکام شرعی و فقهی در نظام حقوقی حکومت اسلامی، پشتوانهٔ قانونی نداشته باشند، در مرحله عمل با مشکل جدی مواجه خواهد شد.

مهم‌ترین چالشی که از منظر فقهی پیرو ایجاد چنین سیستم‌های نظارتی ممکن است مطرح شود؛ استدلال به برخی از آیات و روایات و کلام فقهاء درخصوص حرمت تجسس، منع بدگمانی، منع افشای عیوب و اسرار دیگران، منع تهمت و... است که به نحوی مرتبط با این گونه سیستم‌هاست؛ به عبارت دیگر، چنین ادله‌ای با ادله‌ای که مشروعیت آن را اثبات می‌کند، متعارض خواهند بود. با بررسی دقیق هر دو ادله محلی برای این چالش باقی نمی‌ماند؛ چرا که با تاملی مشخص می‌گردد ادله‌ای که به ظاهر با ایجاد سیستم‌های نظارتی و شفاف‌سازی امور اداری منافات دارد، مربوط به امور و اسرار شخصی افراد است؛ در حالی که دلایل موافق با چنین راهبردی مربوط به آن دسته از امور و رفتارهای سازمانی و اداری است که در ارتباط با حقوق عامه باشد که در متون فقهی و حقوقی به دلیل احکام ثانویه، آبروی شخصی مجرم در مواردی حرمتش برداشته می‌شود. این امر منافاتی با اشاعه فساد نداشته است؛ ولی مصونیت مفسدین را از تبعات اعمالشان زائل می‌گرداند و با اخذ به نقیض مطلوب، عقوبتی که متحمل می‌شود، نقطه مقابل تمایلات وی قرار می‌گیرد و چون تمایل به بهره‌گیری و سوءاستفاده از قدرت،

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.241]

جایگاه و... داشته، توسط این سیستم‌ها خفت و خواری به او عرضه می‌شود؛ همان‌گونه که در فلسفهٔ برخی مجازات‌ها نیز چنین آمده است. منتهی باید توجه داشت که در طراحی سیستم‌های مذکور حتماً سازوکارهایی درنظر گرفته شود تا قبل از اثبات قطعی جرم، آبروی افراد نیز حفظ شود و به عنوان پیشگیری از جرایم و تخلفات اداری به‌کارگیری گردد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.241]

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. آمدی، عبدالواحدبن محمد (۱۴۱۰ق). غررالحکم و دررالکلم، ، چاپ دوم، قم: دارالکتاب الاسلامی.

۲. ابن اخوه، محمدبن محمد (۱۴۰۸ق). معالم القربهٔ فی احکام الحسبهٔ، قم: مرکز نشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی.

۳. ابن ادریس، محمدبن‌احمد(۱۴۱۰ق). جلد سوم، چاپ دوم، السرائر، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۴. ابن بابویه، محمدبن‌علی(۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه، جلد سوم، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۵. ابن حیون، نعمان‌بن محمد(۱۳۸۵ق). دعائم الاسلام، جلد دوم، چاپ دوم، قم: موسسهٔ آل‌البیت(ع).

۶. ابن خلدون، عبدالرحمن‌بن محمد(۱۴۱۰ق). مقدمهٔ العلامه ابن‌خلدون، جلد اول، تهران: استقلال.

۷. ابن شعبه حرانی، حسن‌بن علی(۱۴۰۴ق). تحف‌العقول، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین.

۸. ابن قیم جوزی، محمدبن ابی‌بکر(۱۴۱۱ق). إعلام الموقعین، جلد دوم، بیروت: دارالکتب العلمیهٔ.

۹. ابن منظور، محمدبن مکرم(۱۴۱۴ق). لسان‌العرب، جلد دوازدهم، چاپ سوم، بیروت: دارالفکر – دار صادر.

۱۰. ابوالصالح حلبی، تقی‌بن نجم(۱۴۰۳ق). الکافی فی‌الفقه، اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمومنین(ع).

۱۱. اصفهانی، محمدبن حسن(۱۴۲۴ق). کشف اللثام، جلد دوم، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

۱۲. انصاری، مرتضی(۱۴۲۸ق). فرائد الاصول، جلد یکم، چاپ نهم، قم: مجمع الفکر الإسلامی.

۱۳. اراکی، محمدعلی(۱۳۷۱). توضیح‌المسائل، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزهٔ علمیه قم.

۱۴. بحرالعلوم، محمدبن محمدتقی(۱۴۰۳ق). بلغهٔ الفقیه، جلد سوم، چاپ چهارم، تهران: منشورات مکتبهٔ الصادق.

۱۵. تبریزی، جواد بن علی(۱۴۱۶ق). ارشاد الطالب الی التعلیق علی المکاسب، جلد سوم، چاپ سوم، قم: اسماعیلیان.

۱۶. تفتازانی، مسعود بن عمر(۱۴۰۹ق). جلد پنجم، شرح المقاصد، قم: شریف رضی.

۱۷. جاویدی، مجتبی(۱۳۹۲). «جایگاه سیره عقلا در فقه جزایی امامیه»، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال نهم، شماره سی و سه.

۱۸. جزیری، عبدالرحمن(۱۴۱۹ق). الفقه علی المذاهب الأربعهٔ، جلد پنجم، بیروت: دارالثقلین.

۱۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر(۱۳۹۱). ترمینولوژی حقوق، چاپ بیست و چهارم، تهران: کتابخانه گنج دانش.

۲۰. چلبی، مسعود (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی نظم – تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، چاپ هشتم، تهران: نشر نی.

۲۱. حرعاملی، محمدبن حسن(۱۴۰۹ق). وسائل الشیعهٔ، جلد دوازدهم، شانزدهم و هفدهم. قم: مؤسسه آل‌البیت(ع).

۲۲. حسینی قائم مقامی، عباس(۱۳۷۸). کاوش‌های فقهی، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.

۲۳. حمصی رازی، محمود بن علی(۱۴۱۲ق). المنقذ من التقلید، جلد دوم، قم: موسسه نشر اسلامی.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.241]

۲۴. خامنه‌ای، سیدعلی، رهبر جمهوری اسلامی ایران(۱۳۹۰). اجوبهٔ الاستفتائات، قم: دفتر نشر اسلامی.

۲۵. خامنه‌ای، سیدعلی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، تاریخ مشاهده: ۱۳۹۸/۰۳/۰۵.

26. http: //farsi.khamenei.ir/news-content?id=۴۲۶۱۶

27. http: //farsi.khamenei.ir/treatise-content?id=۱۷۲#۱۹۸۷

۲۸. خراسانی، وحید: توضیح المسائل، تاریخ مشاهده: ۱۳۹۸/۰۳/۰۵.

29. http: //wahidkhorasani.com/%D9%81%D8%A7%D8%B1%D8%B3%DB%8C/Search?SearchText=%D8%AA%D8%AC%D8%B3%D8%B3

۳۰. خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران(بی تا). تحریرالوسیلهٔ، جلد یکم، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.

۳۱. خمینی، روح‌الله، (۱۳۸۹). صحیفه امام، جلد پنجم و پانزدهم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

۳۲. خمینی، روح‌الله، (۱۴۲۱ق). کتاب البیع، جلد دوم، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

۳۳. خمینی، روح‌الله، (۱۴۲۹ق). مناهج الوصول، جلد دوم، چاپ سوم، تهران: تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

۳۴. خمینی، روح‌الله، (۱۴۲۷ق). انوارالهدایه، جلد یکم، چاپ سوم، تهران: موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی.

۳۵. خمینی، مصطفی(۱۴۱۸ق). ثلاث الرسائل(ولایهٔ الفقیه)، تهران: موسسه عروج.

۳۶. خویی، سیدابوالقاسم، سیدابوالقاسم (۱۴۱۶ق). صراط النجاهٔ (المحشّی)، جلد یکم، قم: مکتب نشر المنتخب.

۳۷. (۱۴۱۸ق). التنقیح فی شرح العروهٔ الوثقی، جلد یکم، قم: تحت اشراف جناب آقای لطفی.

۳۸. روحانی، محمدصادق(۱۳۸۲). زبدهٔ الاصول، جلد ششم، چاپ دوم، تهران: حدیث دل.

۳۹. سبحانی، جعفر(۱۴۲۱ق). مفاهیم القرآن، جلد دوم، چاپ سوم، قم: مؤسسهٔ الإمام الصادق(ع).

۴۰. سبزواری نجفی، محمدبن حبیب الله(۱۴۱۹ق). ارشاد الاذهان، جلد یکم، لبنان: دارالتعارف للمطبوعات.

۴۱. سیدرضی، محمد بن حسین موسوی(۱۴۱۴ق). نهج البلاغه، چاپ اول، قم: بی جا.

۴۲. شهید اول، محمدبن مکی (۱۴۰۰ق). القواعد و الفوائد، جلد دوم، قم: کتابفروشی مفید.

۴۳. شهید اول، محمدبن مکی (۱۴۱۷ق). الدروس، جلد دوم، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۴۴. صادقی، محسن(۱۳۸۴). «مفهوم و اعمال نظم عمومی در مراجع قضایی و شبه‌قضایی و جلوه‌های نوین آن»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، شماره ۶۸

۴۵. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۴۱۷ق). جامع‌الاحکام، جلد دوم، چاپ چهارم، قم: حضرت معصومه(س).

۴۶. صدر، محمدباقر(۱۴۲۱ق). الدروس، جلد یکم، قم: مجمع الفکر الإسلامی.

۴۷. صدر، محمدباقر (۱۴۱۷ق). بحوث فی علم الاصول، جلد نهم، بیروت: الدار الاسلامیه.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.241]

۴۸. هاشمی شاهرودی، سیدمحمود(۱۴۱۷ق). بحوث فی علم الأصول، جلد چهارم، چاپ دوم، قم: مرکز الغدیر للدراسات الإسلامیة.
۴۹. طباطبایی، محمدحسین(۱۴۱۷ق). المیزان، جلد چهارم و هجدهم، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۵۰. طباطبایی یزدی، محمد کاظم (۱۴۲۰ق). العروة الوثقی، جلد چهارم، قم: موسسه النشر الاسلامی.
۵۱. طبرسی، احمد بن علی(۱۴۰۳). الاحتجاج علی اهل اللجاج، جلد یکم، مشهد: نشر مرتضی.
۵۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). الخلاف، جلد پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۵۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق). المبسوط، جلد هشتم، چاپ سوم، تهران: المکتبة المرتضویة لإحیاء الآثار الجعفریة.
۵۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰ق). النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، چاپ دوم، بیروت: دارالکتاب العربی.
۵۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۲). کشف المراد، چاپ دوم، قم: موسسه امام صادق(ع).
۵۶. علامه حلی، حسن‌بن‌عبدالله(۱۴۲۰ق). تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، جلد پنجم، قم: موسسه امام صادق(ع).
۵۷. علامه حلی، حسن‌بن‌یوسف(۱۴۲۳ق). الافین الفارق بین الصدق و المین، جلد یکم،قم: الموسسة الاسلامیة للبحوث و المعلومات.
۵۸. عمید زنجانی، عباسعلی(۱۳۹۰). مبانی اندیشه سیاسی اسلام، چاپ هشتم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۵۹. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۵). مبانی حقوق عمومی در اسلام، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۶۰. عمید زنجانی، عباسعلی؛ موسی‌زاده، ابراهیم(۱۳۸۹). نظارت بر اعمال حکومت و عدالت اداری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶۱. غروی اصفهانی، محمدحسین(۱۴۱۶ق). بحوث فی الاصول، جلد دوم، چاپ دوم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۶۲. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله(۱۴۱۹ق). کنز العرفان، جلد یکم و دوم، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۶۳. فراهیدی، خلیل بن احمد(۱۴۱۰ق). کتاب العین، جلد هشتم، چاپ دوم، قم: نشر هجرت.
۶۴. قاضی، ابوالفضل(۱۳۹۲). بایسته‌های حقوق اساسی، چاپ چهل و ششم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۶۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۶۶. قانون اقدامات تأمینی، مصوب ۱۳۳۹/۰۲/۱۲.
۶۷. قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی، ۱۳۶۷/۱۲/۲۳مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۶۸. قانون تعزیرات حکومتی، مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۶۹. قانون حمایت حقوق مؤلّفان و مصنفان و هنرمندان، مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.241]

۷۰. قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۹۲.

۷۱. قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۰۷/۰۸.

۷۲. قمی‌مشهدی، محمدبن محمدرضا (۱۳۶۸ق)، کنزالدقائق، جلد سوم و دوازدهم، تهران: انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.

۷۳. قوامی، صمصام‌الدین(۱۳۹۲). فقه الاداره، جلد یکم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۷۴. کاتوزیان، ناصر(۱۳۹۱). مقدمه علم حقوق، چاپ هشتاد و سوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۷۵. کاظمی خراسانی، محمدعلی(۱۴۰۷ق). فوائدالاصول، جلد یکم، قم: موسسه نشر اسلامی.

۷۶. کتانی، عبدالحی(بی تا). نظام الحکومۀ النبویۀ، چاپ دوم، بیروت: شرکۀ دارالارقم بن ابیالارقم.

۷۷. کلینی، محمدبن یعقوب(۱۴۰۷ق). الکافی، جلد یکم، دوم و پنجم، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیۀ.

۷۸. گلپایگانی، سیدمحمدرضا(۱۴۱۳ق). مجمع‌المسائل، جلد سوم، چاپ چهارم، قم: دارالقرآن الکریم.

۷۹. ماری، فیلیپ(۱۳۸۳). «کیفر و مدیریت خطرها: به سوی عدالتی محاسبه‌گر در اروپا»، مترجم: حسن کاشفی اسماعیل‌زاده، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۹-۴۸.

۸۰. مازندرانی، محمدصالح بن احمد(۱۳۸۲ق). شرح کافی الأصول و الروضۀ، جلد نهم، تهران: المکتبۀ الاسلامیۀ.

۸۱. مجلسی، محمدباقربن محمدتقی(۱۴۰۳ق). بحارالأنوار، جلد نود و هفتم، چاپ دوم، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۸۲. مجلسی، محمدباقربن محمدتقی (۱۴۰۴ق). مرآة العقول، جلد دهم، چاپ دوم، تهران: دارالکتب الإسلامیۀ.

۸۳. مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد(۱۳۹۶). همه با هم علیه فساد، ترجمه و گردآوری: محمود مهدوی فر، سال سوم، شماره۷، صفحات ۵۱-۳۳.

۸۴. مغنیه، محمدجواد(۱۴۲۴ق). تفسیر الکاشف، جلد دوم، تهران: دارالکتب الإسلامیۀ.

۸۵. مفید، محمدبن محمد(۱۴۱۳ق). المقنعۀ، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید(ره).

۸۶. مقدس اردبیلی، احمدبن محمد (بی تا). زبدۀ البیان، تهران: المکتبۀ الجعفریۀ.

۸۷. مکارم شیرازی، ناصر: استفتائات، تاریخ مشاهده: ۹۷/۱۲/۱۴.

88. https: //makarem.ir/main.aspx?typeinfo=21&lid=0&catid=46466&mid=259634

89. https: //makarem.ir/main.aspx?typeinfo=21&lid=0&catid=46466&mid=259646

۹۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، جلد سوم و بیست و دوم، تهران: دارالکتب الإسلامیۀ.

۹۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰). بحوث فقهیه هامه، قم: مدرسه الامام علی‌بن‌ابی‌طالب(ع).

۹۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ق). القواعد الفقهیه، جلد دوم، چاپ سوم، قم: مدرسه امام امیرالمومنین(ع).

۹۳. ملک افضلی اردکانی، محسن؛ حائری، محمدحسن؛ فخعلی، محمدتقی؛ ارسطا، محمدجواد(۱۳۹۱). «مفهوم نظام و کاربرد آن در فقه و اصول»، فصلنامه مطالعات اسلامی: فقه و اصول، سال۴۴، شماره ۸۸.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.241]

۹۴. منتظری، حسینعلی(۱۴۰۹ق). مبانی فقهی حکومت اسلامی، جلد سوم، قم: موسسه کیهان.
۹۵. نائینی، محمدحسین(۱۴۲۴ق). تنبیه الأمة، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۹۶. نجفی، محمدحسن(۱۴۰۴ق). جواهرالکلام، چاپ هفتم، جلد بیست و یکم، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.
۹۷. نراقی، احمدبن محمد مهدی(۱۴۱۷ق). عوائد الایام، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۹۸. نوری، حسین‌بن محمد تقی(۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل، جلد هشتم، قم: مؤسسة آل‌البیت(ع).
۹۹. ورام‌بن ابی‌الفراس(۱۴۱۰ق). تنبیه الخواطر و نزهه النواظر، جلد دوم، قم: مکتبه فقیه.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.52547/qjal.8.26.241]